

مهم‌ترین سخنرانی سال در ایران: دشمنی با غرب، عدم سازش در کشور

یاتریک کلاوسون

۲۶ مارس ۲۰۱۹

سخنرانی سالانه خامنه‌ای در مشهد، با توجه به پیشینه این سخنرانی‌ها، شاخص قابل اتکایی برای اندیشه‌های اوست. محور سخنرانی امسال او عمدتاً سیاست خارجی بود، به‌خصوص اینکه چرا به غرب نباید اعتماد کرد، همراه با درخواست معمول او برای توسعه اقتصاد غیرنفتی ایران.

سخنرانی علی خامنه‌ای رهبر ایران در نوروز، که اولین روز سال نو ایرانی و روز اعتدال ربیعی است، اهمیت بیشتری نسبت به سخنرانی‌های دیگرش دارد. سخنرانی امسال او تفاوت چشمگیری با سخنرانی سال قبل او داشت، یعنی بر سیاست خارجی متمرکز بود، لحن خصمانه‌ای در قبال غرب داشت و امید چندانی در مورد اقتصاد بیمار کشور در بر نداشت. بر خلاف سخنرانی امسال، سخنرانی نوروز ۲۰۱۸ خامنه‌ای عمدتاً شامل توجه دادن به دستاوردهای اجتماعی-اقتصادی جمهوری اسلامی و دیگر موفقیت‌های داخلی بود.

پیشینه سخنرانی‌های نوروزی

روحانیت بنیادگرا به خاطر ماهیت زرتشتی نوروز، که قابل انکار نیست، سال‌ها مخالف برگزاری جشن نوروز بود. روح‌الله خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی، در سخنرانی‌های سالانه‌اش به‌ندرت از واژه نوروز استفاده می‌کرد. اما خامنه‌ای رویکرد کمتر خصمانه‌ای نسبت به نوروز دارد، هرچند در سخنرانی امسال خود، نوروز واقعی را میلاد امام علی دانست. خامنه‌ای و رئیس‌جمهور ایران - که فعلاً حسن روحانی است - هر سال پیام نوروزی می‌فرستند که از تلویزیون پخش می‌شود؛ در سال‌های اخیر جواد ظریف، وزیر امور خارجه، هم پیام نوروزی می‌فرستد. این پیام‌ها را می‌توان نادیده گرفت. آنچه مهم است، سخنرانی خامنه‌ای است که در اولین روز سال نو در برابر صدها هزار نفر از زائران حرم امام رضا در مشهد ایراد می‌کند، جایی که طبق ادعای مقام‌های گردشگری، امسال عید، پنج میلیون نفر برای زیارت امام رضا آمده بودند. خامنه‌ای دوست دارد که از این گردهمایی عظیم مردم در شهر محبوبش که در آن همیشه احساس آرامش کرده بهره‌برداری کند. سخنرانی نوروزی او شاخص خوبی از کارهایی است که او قصد دارد در سال جدید انجام دهد.

قطع امید کردن از غرب

در سخنرانی سال ۲۰۱۸، خامنه‌ای سیاست خارجی را به مسئله‌ای ثانوی تنزل داد و در سخنرانی سال ۲۰۱۷ هیچ لحن تند یا مبارزه‌جویانه‌ای درباره دشمنان خارجی نداشت. اما امسال خامنه‌ای اعلام کرد که نخستین موضوع سخنرانی او - و تا حد زیادی طولانی‌ترین بخش آن - مشکل ایران با غرب خواهد بود. او به‌صراحت گفت که از اروپایی‌ها قطع امید کرده است. «آنها عملاً از برجام خارج شده‌اند.» خامنه‌ای سازوکاری را که غربی‌ها برای تجارت با ایران ایجاد کرده‌اند، یک «شوخی» توصیف کرد و گفت تفاوت این کار در قیاس با تعهداتشان مثل تفاوت شب با روز است. هنگام سرزنش غرب، او مرتباً اروپا را با ایالات متحده آمریکا جمع می‌بست، و در یک جا از سیصد سال استعمار اروپایی‌ها که در آن آمریکایی‌ها نقشی نداشتند سخن گفت. نکته جالب توجه این بود که او این بار روی آمریکایی‌ها به عنوان منشأ همه شرارت‌ها انگشت نگذاشت؛ جز اینکه آمریکایی‌ها را «احمق‌های درجه یک» خطاب کرد و به شکل اغراق‌آمیزی ادعا کرد که قبل از انقلاب ۱۹۷۹، «۶۰ هزار مستشار نظامی» آمریکایی در ایران مستقر بوده‌اند. نقد او متوجه غرب به‌طور کلی بود نه فقط ایالات متحده آمریکا.

وقتی نوبت به دیپلماسی با اروپا می‌رسد، طبق سخنان خامنه‌ای، گفت‌وگو به خودی خود مسئله‌ای نیست. مشکل اعتماد است چرا که اروپایی‌ها دروغ می‌گویند، به ایران می‌خندند، از پشت خنجر می‌زنند. او در یک جا با لحن پرشوری در این مورد گفت: «در باطن، سیاستمداران غربی آدم‌هایی هستند به معنای واقعی کلمه وحشی. تعجب نکنید؛ بله، کت‌وشلوار می‌پوشند، کراوات می‌بندند، ادکلن می‌زنند، کیف سامسونت دست‌شان می‌گیرند، اما وحشی‌اند؛ عملاً کارهای وحشی‌ها را می‌کنند.»

منطق سخنرانی خامنه‌ای - هرچند او این را صریحاً بیان نکرد - این بود که چون ایران چیزی از برجام به دست نمی‌آورد و اروپایی‌ها در واقع بازیگرانی متخاصم‌اند، در نتیجه دست جمهوری اسلامی خالی خواهد ماند. او اشاره‌ای به این موضوع هم نکرد که ایران می‌تواند به شرکای برجام یعنی روسیه و چین امیدوار باشد. ارجاعاتش به چین خیلی گذرا بود. اما او از روسیه و بریتانیا به عنوان کشورهایی یاد کرد که ایران را در قرن نوزدهم (در خلال جنگ‌های ایران و روس) ویران کردند. او درباره همکاری ایران و روسیه در سوریه کلمه‌ای حرف نزد و در قضاوتش در مورد اروپایی‌ها، روسیه را مستثنی نکرد و گفت: «ما نمی‌توانیم هیچ امیدی به آن‌ها داشته باشیم.»

از آنجا که همه این بحث‌ها مرتبط با برجام است، به نظر می‌رسد که خامنه‌ای هیچ دلیلی برای ماندن ایران در برجام ارائه نمی‌کند اما دلیلی هم برای خروج از آن نمی‌دهد - در عین حال از طرح مباحث گذشته‌اش در مورد اینکه ایران باید در زمینه تکنولوژی هسته‌ای پیشرفت کند هم خودداری می‌کند. او نمی‌گوید که ایران هیچ تمایلی به سلاح‌های هسته‌ای ندارد، اما ظاهراً اطمینان دارد که موشک‌های «نقطه‌زن، فعال و دقیق» ایران، یک عامل بازدارنده منطقه‌ای موثر است و شاید به همین دلیل دیگر نیازی به سلاح‌های هسته‌ای نمی‌بیند.

پیام خامنه‌ای به کشورهای عربی هم به اندازه پیام او خطاب به غرب گیج‌کننده بود. اینجا خامنه‌ای به شنوندگانش اطمینان داد که - بر خلاف اظهارات اخیر مشاور نظامی او، و وزیر دفاع پیشین، علی شمخانی - او هیچ مشکلی با برنامه هسته‌ای عربستان سعودی ندارد. اما او خیلی زود در توجیه منطقی حرفش گفت که اطمینان دارد رژیم سعودی به‌زودی سقوط خواهد کرد و دارایی‌های هسته‌ای‌اش به دست «مجاهدان» (به تعبیر او) خواهد افتاد که قدرت را تصاحب خواهند کرد.

خامنه‌ای در سخنانش در مورد اقتصاد، به مردم خود هیچ دلیلی برای رفع تحریم‌ها نداد. به جای آن، کاملاً روی این موضوع تمرکز کرد که چگونه ایران باید از تحریم‌ها به عنوان یک فرصت برای ساختن اقتصاد خود استفاده کند. به گفته او، کسانی که تحریم‌ها را به عنوان منشأ مشکلات کشور معرفی می‌کنند، تسلیم رجزخوانی‌های توخالی دشمن شده‌اند. همانطور که کشور در طول جنگ ایران و عراق تقلائی زیادی برای مقابله با بمباران‌های عراق کرد، اما اکنون قدرت موشکی‌اش آنقدر توسعه یافته که بتواند بازدارنده حملات دشمنان باشد، برای مقاومت در برابر اقدامات امروز دشمنان هم جمهوری اسلامی باید «قدرت بازدارندگی اقتصادی» خود را توسعه دهد. سخنرانی او با دیدگاه همیشگی خامنه‌ای همخوان است که ایران به «اقتصاد بدون نفت» - برگرفته از شعار محمد مصدق، نخست‌وزیر عزل‌شده ایران در دهه پنجاه میلادی -

نیاز دارد و به این جهت آن را «اقتصاد مقاومتی» می‌خواند.

از دیگر چیزهایی که در سخنرانی نوروزی خامنه‌ای غایب بود، این بود که او هیچ اشاره‌ای به مباحث گذشته‌اش در این مورد نداشت که غرب باید اشتباهات خود را بپذیرد و بداند که آسیب‌های بزرگی به خاطر از دست دادن بازار سودآور ایران تحمل کرده است. او در حالی که امیدوار نبود، تهدید هم نکرد. در واقع، کاملاً برخلاف جولای ۲۰۱۸ که حرف طعنه‌آمیز رئیس‌جمهور روحانی را صریحاً تأیید کرد که «اگر ایران نتواند نفت‌اش را صادر کند، هیچ نفتی از هیچ کشوری در منطقه صادر نخواهد شد»، این بار چنین تهدیدی را مطرح نداشت.

عقب‌نشینی نکردن در داخل

در طی چند سال گذشته، خامنه‌ای به تفصیل درباره وضعیت مردم عادی حرف زده است. در سال ۲۰۱۸، او به آمارهای زیادی اشاره کرد - حتی آمارهای فنی مثل ضریب جینی- تا نشان دهد که مردم فقیر در طول انقلاب خوب زندگی کرده‌اند و با جزئیات به مواردی اشاره کرد که بیانگر پیشرفت وضعیت آموزشی بود. در واقع، موضوع اصلی سخنرانی او در سال ۲۰۱۸ این بود که انقلاب زندگی ایرانیان را متحول کرده و به آنها به گفته او «اعتماد به نفس ملی» داده است. این بار او حتی کلمه‌ای در مورد مردم فقیر نگفت. به عنوان مثال، او هیچ حرفی در این مورد نزد که دستمزد کارگران باید به موقع پرداخت شود، در حالی که اعتراض‌های کارگری در مورد عدم پرداخت دستمزدها مسئله عمومی کشور است.

خامنه‌ای آنقدر عاقل بود که رجزخوانی نکند چرا که سال گذشته، سال سختی برای ایرانیان بود. آمار بانک مرکزی ایران نشان می‌دهد که در سال مالی ۲۰۱۸/۲۰۱۷، خانواده‌ها به طور متوسط، و با در نظر داشتن میزان تورم، ۱۰ درصد کمتر از یک دهه قبل خرج کرده‌اند، و احتمالاً این هزینه‌کرد در سال مالی ۲۰۱۹/۲۰۱۸ حتی پایین‌تر هم خواهد بود (حکومت ایران سرافکننده از آمار بانک مرکزی، اختیارات آن را برای انتشار ارقام تورم سلب کرده است). آخرین نرخ رسمی بیکاری در ایران، یعنی ۱۳ و نیم درصد، بالاترین میزان بیکاری در طی ۱۲ سال گذشته است و اگر تعداد زنان بیشتری به نیروی کار ملحق شوند از این هم بالاتر خواهد رفت. در واقع به نسبت جمعیت، درصد زنان ایرانی که جذب نیروی کار شده‌اند از عربستان پایین‌تر است.

همانطور که خامنه‌ای در سخنرانی‌اش بیان کرد، مشکل به مراتب فراتر از تحریم‌هاست. روحانی، زمانی که برای انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۳ رقابت می‌کرد، وعده داد که بعد از دوران محمود احمدی‌نژاد، کارآمدی را دوباره به کشور برمی‌گرداند. اما او دقیقاً برعکس عمل کرد و اقتصاد کشور را دست‌کم به همان وخامت دوران احمدی‌نژاد اداره کرد. احمدی‌نژاد وقتی با تحریم مواجه شد، به ارز اجازه شناور شدن داد که باعث افزایش صادرات شد. همزمان واردات را محدود کرد و درآمد ریالی را در بودجه دولتی به نسبت هر دلار برای صادرات نفتی به حداکثر رساند. به جای آن، روحانی مسیر اقتصاد کشور را به خاطر قیمت‌گذاری غیرموتورش برای پایین نگه داشتن قیمت مصرف‌کننده منحرف کرد: از صادرات خیلی از محصولات جلوگیری کرد، با اختصاص ۱۵ میلیارد دلار برای سوبسید واردات به ویژه مواد غذایی، ایرانیان را مجبور کرد که ساعت‌ها در صف بایستند تا خوراک ارزان گیرشان بیاید، نرخ رسمی مبادله ارز را به میزان کمتر از یک سوم نرخ آزاد تعیین کرد؛ اما نتیجه قابل پیش‌بینی این بوده که فساد رشد کرده است، در حالی که مصرف‌کننده سود چندانی نمی‌برد. خامنه‌ای در سخنرانی‌اش، در حالی که اذعان داشت «اقتصاددان» نیست، گفت که فشارهای ناشی از تحریم‌ها، فرصتی برای اصلاحات ساختاری به وجود آورده است. او از اینکه این اصلاحات با کاهش فشارهای غرب کنار گذاشته شد، شاکی بود و خاطر نشان کرد که چهار سال قبل به او گفته شد که لایحه‌ای برای اصلاح نظام بانکی به مجلس فرستاده می‌شود، اما هنوز این لایحه به مجلس نرفته است.

خامنه‌ای، مثل همیشه برای تشریح وضعیت سال آینده، عبارتی پیشنهاد کرد که مطابق معمول جنبه اقتصادی داشت: «امسال باید سال "رونق تولید" باشد.» اما او برای رسیدن به این رونق، باید خیلی خوش‌شانس باشد. با مشکلات بانکی ناشی از کاهش اعتبار و نوسان نرخ ارز که باعث بی‌ثباتی بزرگی در قیمت منابع تولید و قطعات می‌شود، بودجه دولت به جای هزینه عمرانی، منابع مالی را به سمت سوبسیدهای غیرموتور کانالیزه می‌کند و با ممنوعیت صادرات برای بسیاری از محصولات که ایران می‌تواند به راحتی در خارج بفروشد، اقتصاد ایران با همه نوع موانعی مواجه خواهد شد.

نکته آخر اینکه خامنه‌ای، برخلاف معمول، در مورد خیلی از حوزه‌ها نامطمئن بود. به ویژه در بخش پایانی سخنان‌اش خطاب به جوانان مذهبی، به نظر نگران می‌رسید از اینکه حرکت قطار انقلاب به سمت مقصد نهایی‌اش - تمدن اسلامی - کاملاً عقب‌تر از آن چیزی است که برنامه‌ریزی شده است. او اشاره کرد که جوانان مذهبی برای از بین بردن «غرب‌زدگی» باید دست بازتری داشته باشند. ولی شایان ذکر است که خامنه‌ای، برخلاف برخی گزارش‌های اخیر، در سن هفتادونه سالگی در سلامت کامل دیده می‌شود و همچنان سخنران فصیحی است - واقعیتی که ترجمه‌های سنگین و سبک قدیم انگلیسی از سخنرانی‌های او در وب سایت‌اش آن را پوشیده نگه داشته است.

پیامدها برای غرب

به نظر می‌رسد کارزار آمریکا برای وارد کردن حداکثر فشار، خامنه‌ای را متقاعد کرده که ایران رفع تحریم‌ها را نخواهد دید. تصویری که او ارائه کرد هیچ چشم اندازی از امید به گشایش نشان نمی‌دهد؛ البته زمینه‌های امید وجود ندارد یا اندک است. اگر وضع تفکر او چنین باشد - و سخنرانی مشهد بهترین شاخص قابل دسترس برای نظرات واقعی اوست - آنگاه دولت ترامپ به میزان قابل توجهی موفق شده که خامنه‌ای را متقاعد کند که فشارها ادامه خواهد داشت و اینکه ایران نمی‌تواند بر پشت سر گذاشتن خصومت آمریکا حساب کند.

در حال حاضر، خامنه‌ای هیچ انعطافی در برابر همه این فشارها - نه فشارهای سیاست خارجی و نه جناح‌های داخلی - نشان نمی‌دهد. اما او آن خامنه‌ای با اعتماد به نفس روزگار گذشته نیست که با افتخار آواز موفقیت‌های حاصل از مقاومت می‌خواند. در عوض، او اکنون معتقد است که کشورهای غربی قابل اعتماد نیستند، پس ایران نباید زحمت معامله با آنها را به خود بدهد.

*پاتریک کلاوسون پژوهشگر ارشد مورنینگ استار و مدیر تحقیقات در انستیتو واشنگتن است.